

## مبانی فقهی و حقوقی مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در جنایات خطایی

محمدرضا اخلاقی\*

### چکیده

از نظر حقوق کیفری، رفتار مجرمانه با رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی محقق می‌شود. با این رویکرد، مسؤولیت کیفری، دایر مدار علم، اراده و خطای جزایی است. اصولاً مجازات و واکنش‌های کیفری در صورتی با اهداف کیفر هم‌خوانی دارد که فعل یا ترک فعلی با آگاهی و قصد ارتکاب پیدا نماید. در رویکرد سیاست کیفری اسلام، علم و قصد در کنار اهلیت قانونی؛ از قبیل بلوغ، عقل و اختیار، شرط مسؤولیت کیفری است. در پی تحولات بزرگ در حوزه علم، صنعت و فناوری‌های نوین، مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در موارد خاصی مورد توجه حقوق دانان و نظام‌های حقوقی جهان قرار گرفت و مبتنی بر آن، در حوزه تولید مواد غذایی، دارویی و مواد بهداشتی، در صورت بروز ضرر، تقصیر تولید کنندگان مفروض گرفته شد. مبنای ضرر و مبنای تضمین حق در حقوق موضوعه، رویکرد قانون‌گذار را در جرم‌انگاری موارد پیشین توجیه کرده و به آن صبغه قانونی بخشید؛ از این‌رو، مسؤولیت کیفری مطلق در برخی موارد پذیرفته شد. در حقوق کیفری اسلام نیز، مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در جنایات خطایی؛ از قبیل جنایت در خواب، قتل در حالت بیهوشی و حالت مستی، مورد توجه قرار گرفت. از نظر گزاره‌های دینی، اثبات تقصیر و احراز سوء نیت در جنایات خطایی شرط مسؤولیت کیفری نیست و جانی در این‌گونه موارد مسؤولیت مطلق دارد. این رویکرد دارای مبانی قوی؛ مانند قاعده اتلاف، قاعده حرمت خون مسلمان، قاعده لاضرر است و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، است. با این وصف، مسؤولیت کیفری مطلق، حالت استثنا دارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک قاعده کلی با قلمرو گسترده مورد پذیرش قرار داد.

**واژگان کلیدی:** مبانی، مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، ضمان، مسؤولیت مطلق جنایات خطایی.

---

\* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی (ص) العالمیه / ایمیل: m.rezaakhlaghi1@gmail.com

## مقدمه

در دوره باستان، هرگونه رفتار ضد اجتماعی بدون توجه به شخصیت و اهلیت فاعل آن، با مجازات شدید و خشن روبه‌رو می‌گردید. در این برهه از زمان، هیچ تفاوتی بین عمل صغیر، مجنون و افراد عاقل وجود نداشت. ملاک واکنش اجتماعی، صرف ارتکاب فعل مادی جرم بود. رکن معنوی جرم، قصد و سوءنیت هیچ تاثیری در مجازات نداشت. در واقع مجازات جنبه‌ی غریزی داشت و گاهی دامنه‌ی آن شامل حیوانات نیز می‌گردید. به دیگر سخن، کیفر دایرمدار علم، قصد و شرایط عمومی مسئولیت کیفری نبود. در مجموعه قوانین دوره باستان؛ از جمله در قانون حمورابی (۱۷۵۰ سال پیش از میلاد) قانون‌گذار، مجرمان را بدون در نظر داشت شرایط عمومی مسئولیت کیفری مستحق کیفر دانسته بود و گستره‌ی مجازات به حدی وسیع بود که افزون بر کودکان و دیوانگان، حیوانات را نیز شامل می‌گردید.

در این دوره، کیفرها به شدت خشن، ظالمانه و مخالف کرامت انسانی بود. افزون بر آن، در قانون حمورابی که در نوع خود یکی از پیش‌رفته‌ترین مقررات در زمان خود به شمار می‌رفت، کیفرها جنبه‌ی طبقاتی داشت؛ به گونه‌ای که مجازات اشراف و بزرگان دربار با مجازات طبقه‌ی متوسط تفاوت داشت و هم‌چنین کیفر طبقه‌ی متوسط جامعه با کیفر قشر پایین جامعه متفاوت بود. از این رو، هیچ‌گاه فردی از طبقه‌ی اشراف در برابر بزه‌دیده‌ای از طبقه‌ی متوسط یا بردگان، مجازات نمی‌شد. این وضعیت، شرایط را برای جامعه‌ی انسانی دوره‌ی باستان بسیار سخت و غیرانسانی کرده بود.

ظهور ادیان آسمانی و پیدایش اصول اخلاقی آن، موجب تحول عمیق در فرآیند جرم‌انگاری گردید و کیفرها، از اصول و مبانی مناسب برخوردار شد. تحول کیفرها قلمرو مجازات را قاعده‌مند کرد و مجازات را با یک سلسله شرایط و محدودیت‌ها گره زد. این روند باعث شد که رویکرد سیاست کیفری و فرآیند جرم‌انگاری به سمت و سوی انسانی شدن گرایش پیدا نماید و رهیافت آن شکل‌گیری اصول حقوق کیفری؛ از جمله مبرا شدن کودکان و دیوانگان، از مسئولیت کیفری بود. این تحولات در پرتو

آموزه‌های دین مبین اسلام شتاب بیش‌تری پیدا کرد. بدین‌سان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل شخصی بودن کیفرها و سایر اصول مهم حاکم بر حقوق کیفری وارد ادبیات حقوق جزا گردید. از نظر گزاره‌های دینی برای مجازات مجرم افزون بر رکن مادی بزه، عنصر قصد، آگاهی و تقصیر نیز، شرط لازم است؛ زیرا مجازات مجرم صرفاً براساس فعل مادی جرم بدون در نظرداشت شرایط مسؤلیت کیفری؛ از قبیل عقل، بلوغ، عدم اکراه و سایر شرایط، با اهداف اصلی تشریح مجازات سازگاری ندارد.

آموزه‌های ادیان آسمانی، تحولات علمی و صنعتی در اروپا، تحول کیفرها را شتاب بیش‌تری بخشید. ایجاد مکاتب حقوق کیفری و ظهوراندشمندان طرف‌دار کرامت انسان، مسیر سیاست کیفری و اصول جرم‌انگاری را متحول کرد و اصول حقوق کیفری برآمده از گزاره‌های دینی با تبیین نو مورد توجه حقوق‌دانان مکاتب مختلف حقوق کیفری قرار گرفت. برآیند تحول سیاست کیفری و فرآیند جرم‌انگاری‌نویین، ظهور مبانی و اصول حاکم بر کیفرگذاری بود. این تحولات شگرف، جرم‌انگاری را در مسیر انسانی شدن کیفرها و هم‌خوان کردن با کرامت انسانی، هدایت کرد.

با این رویکرد، علم، قصد و اراده به‌عنوان شرایط محوری مسؤلیت کیفری مورد توجه قرار گرفت. از نظر اصول حقوق کیفری، تنبیه خطاکار در صورتی با اهداف اجتماعی مجازات سازگاری دارد که ذهن مجرمانه و حالت سوءنیت در وی وجود داشته باشد. (حسنی، ۱۹۶۷: ۱۹۶) درپرتو اصول حقوق موضوعه و آموزه‌های دینی، رکن مادی در کنار رکن معنوی که معادل ذهن گناه‌کار است، به‌عنوان شرط اصلی مسؤلیت کیفری مورد پذیرش قرار گرفت. (ساریخانی و قیاسی، ۱۳۹۵: ج ۳، ۱۶) با این رویکرد نبود علم و اراده و فقدان رکن معنوی، اصولاً، مجازات کیفری توجیهی نخواهد داشت.

در پی توسعه‌ی علم، صنعت، تکنولوژی و ماشینی شدن زندگی بشر، ایده‌ای مسؤلیت مطلق کیفری یا مسؤلیت کیفری بدون تقصیر مورد توجه جدی حقوق‌دانان قرار گرفت و مسؤلیت کیفری بدون تقصیر با شرایط خاصی مورد پذیرش قرار گرفت. در گزاره‌های دینی نیز، به‌مسؤلیت کیفری بدون تقصیر عطف توجه شده و مسؤلیت مطلق کیفری تحت عنوان موجبات‌الضمان، مورد پذیرش قرار گرفته‌است. (نجفی، ۱۴۳۶:

۴۳، (۸۱) مقاله حاضر، سعی بر آن دارد که ضمن بررسی مفاهیم کلیدی، مبانی نظری مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در جنایات خطایی را مورد بحث و کنکاش قرار داده و قلمرو آن را به درستی تبیین نماید.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. مفهوم مسؤولیت

مسؤولیت مصدر جعلی و از ریشه‌ی سأل و به معنای بازخواست، مآخذ، ضمانت و ضمان به کار رفته است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۳۸۹) در مفهوم دیگر، مسؤولیت به معنای پرسش، مورد سوال قرار گرفتن و تفکیک وظیفه آمده است. (عمید، ۱۳۷۵: ۹۵) مسؤولیت در واقع، به معنای بازخواست بوده و این واژه در مواردی که شخص یا اشخاصی نسبت به امری مورد سوال و پرسش قرار می‌گیرد، به کار برده می‌شود.

مفهوم اصطلاحی، مسؤولیت عبارت است از: تعهد قانونی شخص به رفع ضرری که به دیگری، وارد کرده است؛ خواه ضرر بر اثر تقصیر وی باشد یا ضرر از فعل شخص ایجاد گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۶: ۶۴۲) در واقع، مسؤولیت در معنای اصطلاحی از معنای لغوی خود دور نبوده و به مفهوم ملتزم شدن شخص در برابر اعمال و رفتار خود است؛ از این رو، می‌توان گفت: مسؤولیت آن است، که شخص در قبال اعمال و رفتار خویش مسؤولیت دارد؛ خواه منشاء مسؤولیت تقصیر باشد یا از رفتار بدون تقصیر ناشی شده باشد. منشاء مسؤولیت گاهی مقررات اخلاقی است و در موارد دیگر، مقررات حقوقی. به تناسب منشاء مسؤولیت، ضمانت اجرای آن اخلاقی و قانونی خواهد بود.

(طاهری، بی تا: ج ۲، ۲۱)

### ۲.۱. انواع مسؤولیت

برای روشن شدن مفهوم مسؤولیت لازم است، که در این بخش انواع مسؤولیت واکاوی گردد و از این ره‌گذر، مفهوم مسؤولیت به صورت بهتر تبیین می‌شود. مسؤولیت به صورت کلی به دو بخش قابل تقسیم است؛ مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری. برای تبیین بهتر موضوع لازم است که هریک به صورت مجزا مورد کنکاش قرار گیرد.

### ۱.۲.۱. مسؤولیت کیفری

مسؤولیت کیفری به صورت عام عبارت از فعل مجرمانه‌ی است که شخص با علم، اراده و سوءنیت، آن را مرتکب گردد و انجام عمل مجرمانه به گونه‌ای باشد، که رابطه‌ای علیت بین فعل شخص و نتیجه‌ی مجرمانه، وجود داشته باشد. (شامبیاتی، ۱۳۹۱: (ب)، ج ۲، ۲۸) به‌دیگر سخن، مسؤولیت کیفری آن است، که پیامدها و آثار زیان‌بار رفتار مجرمانه بر فاعل آن، تحمیل گردد و او از نظر مقررات حقوق کیفری مسؤول شناخته شود و در نتیجه ملزم به جبران خسارت و تحمیل مجازات قانونی گردد. (میرسعیدی، ۱۳۸۶: ۲۱)

برای تحقق مسؤولیت کیفری سه عنصر به شرح زیر ضروری است: ۱. رفتار مجرمانه با علم و آگاهی صورت گیرد. بدیهی است که رفتار بدون علم و اراده، مسؤولیت کیفری نخواهد داشت. ۲. فعل مجرمانه یا همراه با اراده و سوءنیت ارتکاب یابد و یا از تقصیر و خطای شخص ناشی گردد. ۳. رابطه سببیت بین عمل مجرمانه و نتیجه مجرمانه وجود داشته باشد. منظور از رابطه‌ی سببیت، این است که بین رفتار مجرمانه و نتیجه‌ی حاصله، رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد. (ولیدی، ۱۳۸۲: ۲۶) رهیافت سخن این می‌شود که در صدق مسؤولیت کیفری، وجود علم و اراده شرط ضروری است و کیفر دایرمدار قصد، اراده، تقصیر، خطا و وجود رابطه‌ی علیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه‌ی حاصله است. با این نگاه، مسؤولیت کیفری از سایر مسؤولیت‌های حقوقی و اخلاقی مجزا می‌گردد. ذکر این نکته ضروری است که در محل خودش بیان خواهیم کرد که در مواردی قانون‌گذار حقوق موضوعه و مقنن شریعت اسلام، مسؤولیت کیفری را به صورت مطلق مورد پذیرفته‌است و بیان خواهد شد که این نوع مسؤولیت حالت استثنا دارد.

### ۲.۲.۱. مسؤولیت مدنی

در این معنا، مسؤولیت عبارت است از: ورود خسارت و ضرر به دیگری؛ اعم از آن‌که ضرر مستقیم باشد یا غیرمستقیم. مفهوم آن این است، که نباید به دیگری زیان و ضرر وارد نماید. به بیان دیگر، هرگاه خسارت توسط شخصی، مستقیم یا با واسطه وارد گردد، وی مسؤول جبران خسارت خواهد بود؛ زیرا ضرر از فعل وی نشأت گرفته‌است. (شامبیاتی، پیشین: ج ۲، ۲۸) در واقع، ملاک ضمان در مسؤولیت مدنی، وارد شدن ضرر و

خسارت است. فرق نمی‌کند که ضرر وارده، مستقیم و بالمباشرت باشد یا با واسطه و غیرمستقیم.

### ۳.۱. مفهوم تقصیر

تقصیر در لغت به معنای کوتاهی کردن، سستی در کاری، سهو، گناه و خطا به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۷۹) در اصطلاح، در معانی گوناگون و مختلفی، به کار رفته است؛ تقصیر جزایی، تقصیر مدنی و تقصیر تجارتي. مراد از تقصیر در این جا تقصیر جزایی است. تقصیر جزایی آن است، که در انجام آن احتمال وارد شدن صدمه و ضرر به دیگری وجود داشته باشد یا ارتکاب آن، موجب اختلال در امری از امور اجتماعی گردد. (شامبیانی، ۱۳۷۵: الف)، ج ۱، ۴۱۵) معیار در تقصیر جزایی یا خطا جزایی، ورود ضرر یا صدمه و یا اختلال امری از امور اجتماعی است. هرگاه چنین احتمالی در انجام فعل یا ترک فعلی وجود داشته باشد، تقصیر جزایی قابل تحقق است. در تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، تقصیر در مفهوم خطای جزایی به کار رفته است و شامل بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت شده است.

در واقع، در جرایم غیر عمدی وجود قصد و اراده برای مسؤولیت کیفری، ضرورت نیست؛ بلکه خطای جزایی به عنوان رکن معنوی جرم، برای تحقق مسؤولیت کیفری کافی خواهد بود. به دیگر سخن، در جرایم عمدی وجود قصد و اراده، برای تکوین مسؤولیت کیفری ضروری است؛ اما در جرایم غیر عمدی صرفاً وجود خطایی جزایی که در قالب بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت ظهور پیدا می‌کند، برای توجیه مسؤولیت کیفری کفایت می‌کند و نیازی به قصد و اراده نیست.

### ۴.۱. مفهوم مسؤولیت کیفری بدون تقصیر

وجود قصد و علم شرط اصلی مسؤولیت کیفری است. در واقع، مسؤولیت کیفری با رکن مادی جرم و رکن معنوی آن، در کنار رابطه‌ی سببیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه، محقق می‌گردد و در صورت فقدان رکن معنوی جرم، مسؤولیت کیفری محمل قانونی و منطقی نخواهد داشت. این اصل یکی از اصول خدشه ناپذیر در حوزه حقوق کیفری است؛ اما قانون‌گذار به خاطر جلوگیری از اضرار به غیر و به صورت استثنایی،

مواردی را به‌عنوان مسؤولیت مطلق، پذیرفته‌است. ذکر این نکته ضروری است، که مسؤولیت بدون تقصیر یا مسؤولیت مطلق، ابتدا در حقوق مدنی کار برد داشت و پس از تحولات علمی و صنعتی، مسؤولیت مطلق وارد ادبیات حقوق کیفری نیز گردید. به‌دنبال صنعتی شدن جوامع بشری و پیش‌رفت حیرت‌انگیز علوم در حوزه‌های گوناگون، تولیدات مواد غذایی و بهداشتی افزایش یافت. کارخانجات تولیدی مواد غذایی، دارویی و بهداشتی، گسترش روزافزون را تجربه کرد. از سوی دیگر، به‌دلیل ارتباط مستقیم مواد غذایی و دارویی با سلامتی و بهداشت عمومی جامعه و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، قانون‌گذار کشورهای مختلف، مسؤولیت مبتنی بر تقصیر در امور مدنی را به مسؤولیت مطلق یا مسؤولیت بدون تقصیر، مورد پذیرفتند و در این‌گونه موارد تقصیر را مفروض گرفتند.

به‌دیگر سخن، منافع عمومی و ضرورت پیش‌گیری از ضررهای احتمالی به بهداشت و سلامتی افراد جامعه، باعث شد که مقررات جدید، تقصیر شرکت‌های تولیدی را مفروض دانسته و خسارت‌های ناشی از مصرف مواد دارویی، بهداشتی و غذایی را، بر عهده شرکت‌های تولید کننده، قرار دهد.

در ابتدا، شرکت‌های تولیدی با اثبات عدم تقصیر خویش، می‌توانستند، از زیر بار جبران خسارت شانه خالی کند؛ اما با فناوری جدید و پیش‌رفت‌های وسیع علوم و فنون، مسؤولیت مدنی مشروط، جواب‌گویی مسایل و مشکلات موجود نبود؛ به همین دلیل مسؤولیت بدون تقصیر یا مسؤولیت مطلق، برای حمایت از مصرف‌کنندگان جنبه قانونی یافت؛ به‌گونه‌ای که اثبات عدم تقصیر، کارایی خود را از دست داد و شرکت‌های تولیدی در صورت بروز ضرر ناشی از مصرف مواد تولیدی، به‌صورت مطلق، مسؤول جبران خسارت شناخته شدند.

#### ۵.۱. مفهوم جنایت

جنایت، واژه‌ی عربی است و در لغت به‌معنای چیدن میوه و گناه به‌کار رفته‌است. مرتکب آن، بر حسب موارد، به کیفر و مجازات اخروی یا دنیوی، محکوم می‌گردد. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۱۰) مفهوم موسع جنایت، از منظر فقهی و روایات، معادل ذنب و

معصیت است. جنایت در این معنا به مفهوم گناه، ارتکاب فعل حرام و تجاوز به حقوق دیگران است. (حداد عادل، ۱۳۸۵: ج ۴، ۸۳۹) جنایت، در اصطلاح فقهی عبارت است از: وارد کردن صدمات بدنی علیه تمامیت جسمانی اشخاص؛ اعم از ضرب، جرح و قتل نفس. (زحیلی، ۱۹۸۴: ۱۴۰۴) در واقع، جنایت، در نگرش فقهی مساوی با جرایم علیه تمامیت جسمانی از نظر حقوق عرفی است. جنایت در جرایم عمدی و غیرعمدی، دارای عناصر زیر است. ۱. موضوع جرم باید انسان زنده محقون‌الدم باشد. ۲. عمل ارتكابی در قالب فعل یا ترک فعل صورت گرفته باشد. ۳. رابطه‌ی سببیت بین فعل مجرمانه و نتیجه‌ی مجرمانه وجود داشته باشد. (آقایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۳) جنایات، از نظر فقهی به سه بخش؛ عمد، شبه عمد و خطای محض، تقسیم شده‌است.

## ۲. گونه‌های مسؤولیت کیفری بدون تقصیر

مسؤولیت کیفری مطلق، به دو صورت تبیین گردیده‌است؛ مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در مقام ثبوت و مسؤولیت کیفری مطلق، در مقام اثبات. برای ارزیابی بهتر موضوع و شناخت دقیق مقام ثبوت و مقام اثبات، لازم است، که هرکدام در مبحث جداگانه‌ای به کنکاش گرفته شود.

### ۱.۲. مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در مقام ثبوت

در تبیین مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، در مفهوم ماهوی و ثبوتی آن، اصولاً ساختار و شالوده‌ی جرم و مسؤولیت کیفری دچار تحول بنیادین گردیده‌است. برخلاف اصل مسلم حقوق جزا، رکن معنوی جرم در بروز مسؤولیت کیفری، به صورت مطلق، نادیده گرفته شده‌است. با این رویکرد، معیار تحقق مسؤولیت کیفری، محقق شدن رکن مادی جرم است. به سخن دیگر، مسؤولیت کیفری، از ره‌گذر فراهم شدن رکن مادی جرم تحقق پیدا می‌کند. مبتنی بر این نگرش اصولاً رکن معنوی جرم در شکل‌گیری مسؤولیت کیفری هیچ نقشی ندارد.

برخی از حقوق‌دانان، از این نظریه پیروی کرده‌اند. «آل‌من» معتقد است: مسؤولیت مطلق، در جایی است، که شخص قوانین و مقررات را رعایت کرده و احتیاط لازم را در نظر گرفته است؛ اما با این وصف بر اثر رفتار وی، به شخص دیگری، ضرر وارد شده



است. در این فرض، فاعل مسؤلیت کیفری دارد. (شاه‌چراغ، ۱۳۹۱: ۸۱) مبرهن است، که در این رویکرد، اصل مهم حقوق کیفری که مبتنی برآن شرط مسؤلیت کیفری، وجود قصد و اراده در قالب رکن معنوی جرم است، به‌کلی نادیده گرفته شده‌است و این تبیین از مسؤلیت کیفری، ساختار و مولفه‌های جرم را دگرگون کرده و خطایی جزایی را نیز، نادیده گرفته‌است.

## ۲.۲. مقام اثبات

در مقام اثبات، مسؤلیت کیفری، نیاز به رکن معنوی دارد؛ اما وجود آن از نظر قانون‌گذار مفروض بوده و نیازی به احراز و اثبات ندارد. به بیان دیگر، در این رویکرد، رکن معنوی جرم که مساوی است با قصد و علم، شرط مسؤلیت کیفری خوانده شده است؛ اما احراز قصد و آگاهی شرط تحقق مسؤلیت کیفری شمرده نشده‌است. با این تبیین چه فرقی بین مقام ثبوت و مقام اثبات وجود دارد؟ فرق بین مقام ثبوت و مقام اثبات در این است که در مقام ثبوت اصولاً رکن معنوی جرم هیچ نقشی در تحقق مسؤلیت کیفری ندارد و جرم صرفاً با وجود رکن مادی محقق می‌گردد و به تبع آن، مسؤلیت کیفری نیز، دامن فاعل را می‌گیرد. همان‌گونه که بیان شد، در این رویکرد، ساختار کلی جرم دچار تغییر می‌گردد و رکن معنوی جرم نادیده گرفته می‌شود.

اما در مقام اثبات بدون آن‌که در ساختار جرم و مسؤلیت کیفری، تغییری ایجاد گردد، رکن معنوی جرم مفروض گرفته شده و برای تحقق مسؤلیت کیفری نیازی به احراز قصد و اراده نیست. رهیافت سخن این می‌شود که در نگاه اثباتی مسؤلیت کیفری با وجود رکن مادی تحقق پیدا می‌کند و رکن مادی در آن، مفروض است. مبرهن است که در این رویکرد، رکن معنوی شرط مسؤلیت کیفری است؛ اما وجود آن، در این تبیین، مفروض بوده و نیازی به احراز و اثبات ندارد. (حسنی، پیشین: ۱۵۹) تبیین مسؤلیت کیفری، در نگرش ثبوتی ایرادهای زیادی را در پی داشته است که مهم‌ترین ایراد آن، تغییر ساختار و خمیرمایه جرم و مسؤلیت کیفری است؛ اما در رویکرد اثباتی، ساختار جرم و مولفه‌های شکل‌گیری مسؤلیت کیفری مصون از تغییر باقی مانده‌است.

### ۳. مبانی مسؤولیت بدون تقصیر

مبانی قواعد و مقررات حقوقی، ارتباط عمیق و ناگسستنی با عقاید، آرمان‌ها و آموزه‌های دینی و مذهبی دارد. از این‌رو، مبانی مسؤولیت کیفری، کشورها و نظام‌های حقوقی، متفاوت است. مبانی مسؤولیت بدون تقصیر، از آن لحاظ، حایز اهمیت است که این نوع مسؤولیت برخلاف اصول پذیرفته شده‌ی حقوق کیفری است. از نظر اصول حقوق کیفری، مسؤولیت کیفری صرفاً با قصد و اراده مرتکب قابل تحقق است و رکن معنوی جرم که مساوی با ذهن مجرمانه بزه‌کار است، شرط ضروری مسؤولیت کیفری است. از این‌رو، مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، نیاز به مبانی مستحکم و استوار دارد که در صورت فقدان مبانی یا خدشه‌دار بودن آن، مجازات مرتکب توجیه حقوقی نخواهد داشت بنابراین، لازم است، که مبانی مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه به‌صورت شفاف، ارزیابی و تحلیل گردد. مبانی مسؤولیت کیفری، را می‌توان به‌صورت زیر دسته بندی کرد.

#### ۱.۳. ضرورت

مفهوم جرم و مسؤولیت کیفری، براساس ضرورت‌های فردی و اجتماعی، همواره در حال تحول و دگرگونی است. صیانت از ارزش‌های اساسی جوامع، جرم‌انگاری کرامت محور را مطالبه دارد و گاه، ضرورت‌ها، قلمرو حقوق و آزادی‌های فردی را تضییق می‌کند و با رویکرد حمایتی، برخی حوزه‌ها را بدون در نظر داشت تقصیر، جرم‌انگاری می‌کند. با این بیان، آرای حقوق‌دانان و جرم‌انگاری قانون‌گذار، صرفاً ترجمه و تفسیر ضرورت‌های موجود در جامعه است. ضرورت‌های ناشی از تحولات علمی، فرهنگی، اجتماعی و ماشینیزه شدن زندگی بشر، منجر به‌شکل‌گیری مفاهیم جدید در حقوق کیفری گردید. (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۱۰۲) شایان ذکر است، که جرایم واقعی؛ مانند قتل، سرقت و تجاوز، تابع اصول اخلاقی و مبانی ثابتی است که کم‌تر دست‌خوش تحول و دگرگونی می‌گردد. جرایم واقعی، اغلب ثابت و در همه‌ی نظام‌های حقوقی جهان جرم‌انگاری شده‌است؛ هرچند نوع و میزان کیفر از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در نظام حقوقی لیبرالیسم اصل بر آزادی‌های فردی بوده و جرم‌انگاری امر استثنایی و

منطبق با ضرورت‌های اساسی جامعه لیبرال است؛ در حالی که در نظام‌های حقوقی مبتنی بر اخلاق‌گرایی قانونی، پدرسالاری حقوقی و نظام‌های دینی ارزش‌گرا، قلمرو جرم انگاری گسترده بوده و کیفرها اغلب شدید است.

جرایم غیرواقعی، درگذر زمان، با تغییرات همراه بوده‌است و دگرگونی مقررات حقوقی در حوزه بهداشت و تغذیه بیش‌تر به‌چشم می‌خورد. جرایم مرتبط با بهداشت، غذا، دارو و مواد آرایشی، که با سلامتی مردم سروکار دارد، قانون‌گذار را وادار کرده است که در این حوزه برخی تقصیرها را مفروض بگیرد و مسؤلیت متصدیان امور غذا، دارو و... را به‌صورت مطلق مقرر نماید. (نجفی ابرنبدادی، ۱۳۸۵: ۶۳) در جرایم غیرواقعی، قانون‌گذار همواره، مصالح اجتماعی و منافع عمومی را بر منافع فردی ترجیح داده‌است. این رویکرد قانون‌گذار، توجیه عقلانی و حقوقی دارد؛ زیرا فرض تقصیر در این‌گونه مقررات سبب می‌شود که تولیدکنندگان به‌صورت عموم، احتیاط لازم و دقت کافی را در روند تولید مواد غذایی، دارویی و بهداشتی، در نظر گیرند. رویکرد قانون‌گذار در اعتبار بخشیدن به مسؤلیت کیفری بدون تقصیر، در واقع، نوعی اقدام پیش‌گیرانه به شمار می‌رود و قانون‌گذار با این نگرش خواسته است که از آسیب‌های احتمالی ناشی از تولید مواد غذایی و بهداشتی پیش‌گیری کند.

از این‌رو، باید گفت: نظریه‌های سنتی حقوق جزا، پاسخ‌گویی ضرورت‌های اجتماعی و مصالح عمومی امروزی نیست و مصالح و نیازهای جامعه در پرتو مسؤلیت کیفری بدون تقصیر، محقق می‌گردد. (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۰۷)

مبنای ضرورت در مورد جرایم واقعی؛ مانند قتل خطایی یا سایر صدمات بدنی، خالی از ابهام نیست. از این‌رو، فرض تقصیر در جنایات غیرعمدی؛ مانند قتل در خواب یا قتل در حالت بیهوشی، کار آسانی نیست؛ مگر این‌که مبنای ضرورت با قاعده اتلاف که یک قاعده فقهی است، پیوند زده شود و ضرورت جبران ضرر خود، یکی از مصادیق اتلاف محسوب گردد. حقوق کیفری اسلام از ابتدا در مورد جنایات غیرعمدی، جرم انگاری مناسب کرده‌است و برای جرایم غیرعمدی، به‌ویژه جنایت خطای محض، ضمان لازم را مقرر کرده‌است که در محل خودش، تبیین خواهد شد.

## ۲.۳. مبنای خطر

از نظریه خطر، تبیین‌های مختلف صورت گرفته است. مهم‌ترین تعبیر این است که هر شخص از ناحیه کار و فعالیت‌های خویش سود و منافع مادی را به دست می‌آورد و طبعاً باید مسؤول جبران زیان و خساراتی باشد که از کار وی، نشأت می‌گیرد. این رویکرد، از زوایای متعدد، عقلانی و خردپسند به نظر می‌رسد. به دیگر سخن، هر شخص مسؤول رفتار خویش است؛ اعم از آن‌که فعل با قصد و اراده همراه باشد یا بدون اراده و آگاهی صورت گیرد؛ زیرا معقول نیست که ضرری ناشی از فعل غیر را، شخص دیگری که هیچ دخالتی در آن ندارد، متحمل گردد.

از این رو، هرگاه دولت‌ها، با وضع قوانین و مقررات، خطری را متوجه افراد جامعه نمایند، باید خسارت‌های وارده را جبران کنند؛ هرچند که هیچ تقصیری از دولت سر نزده باشد؛ زیرا عامل ضرر و خطر، تصمیمات دولت بوده است و همین‌طور شرکت‌های تولید مواد غذایی و دارویی، که خطر و زیانی را متوجه مصرف کننده می‌کند، مسؤولیت جبران خسارت را دارد. متولیان تولیدی، نمی‌توانند، به عدم تقصیر خود استناد کنند؛ زیرا ضرر و خطر از تولیدات آنان ناشی شده است.

نظریه‌ی خطر، در جنبه‌ی منفی آن، به این معنا است که برای تحقق مسؤولیت، ضرورت به اثبات تقصیر نیست و تقصیر در این رویکرد، مفروض است در واقع، خطر در قالب ضرر در این جا یا از نحوه قانون‌گذاری دولت سرچشمه گرفته است یا از فرایند تولید مواد غذایی، دارویی، بهداشتی و...، از این رو، معقول نیست که جور خطر ایجاد شده را مصرف کننده یا مردم بکشند. در برداشت مثبت از نظریه‌ی خطر، مسؤولیت نهادها و شرکت‌های تولیدی که ایجاد خطر کرده‌اند محرز است؛ تفاوت نمی‌کند که نهاد های مذکور مرتکب تقصیر شده باشد یا هیچ تقصیری از آنان سر نزده باشد. (باریکلو، ۱۳۸۵: ۴۵ - ۳۵) مسؤولیت کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا منطقی نیست که خطر ناشی از فعل غیر را به این دلیل که وی اراده و آگاهی نداشته است به‌ذمه‌ی دیگری گذاشته شود و عدالت کیفری نیز با رویکرد مسؤولیت گریزی سازگاری ندارد.

اصل آن است که منشاء و ایجاد کننده خطر مسؤول است. فرق نمی‌کند که رفتار وی ناشی از تقصیر و خطای جزایی باشد یا هیچ تقصیری از وی سر نزده باشد.

### ۳.۳. تضمین حق

براساس قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی الزام‌آور حقوق بشر، همه افراد جامعه، از حق حیات، حق امنیت، حق بر اموال و دارایی، حق رفت و آمد، حق کار، حق تحصیل، حق تشکیل خانواده و... برخوردارند و این حق باید توسط دولت‌ها تضمین گردد. مجرمانی که براساس قانون از برخی حقوق خود محروم می‌گردند، از این قاعده مستثنی است. ضیاع حق با تبیینی که صورت گرفت، می‌تواند دلیل کافی برای مسؤولیت بدون تقصیر باشد. (بادینی، ۱۳۸۴: ۱۸۹) رهیافت رویکرد تضمین حق این می‌شود که هیچ نهاد و گروهی نمی‌تواند بدون دلیل قانونی و حکم صریح مقررات حقوقی حق‌های بر شمرده در فوق را سلب نماید و ضمانت اجرای تضمین حق، جبران ضرر و زیان وارده است. درست است که هم زیان‌دیده و هم زیان‌رسان، هر دو دارای حق و حقوقی هستند؛ اما در نظریه تضمین حق، زیان‌دید هیچ نقشی در بروز زیان نداشته‌است و منطقی نیست که متضرر و ضرر‌رسان با یک دید در نظر گرفته شود.

به دیگر سخن، رویکرد تضمین حق در پی آن است که هیچ حقی به بهانه عدم قصد و اراده از شخصی سلب نگردد و قانون‌گذار باید از ره‌گذر جرم‌انگاری مناسب از حقوق و آزادی‌های قانونی مردم حمایت نماید. نگرش این چنینی به مقوله تضمین حق، مهم‌ترین مبنای مسؤولیت کیفری بدون تقصیر بوده و صیانت از حق در این رویکرد، توجیه قانونی و منطقی نیز دارد. در نتیجه نظریه‌ی تضمین حق یکی از مبانی قوی مسؤولیت کیفری مطلق به‌شمار می‌رود.

### ۴.۳. قاعده اتلاف

قاعده اتلاف افزون بر آن‌که قاعده شرعی و فقهی است، یک قاعده عقلی و خردپسند نیز به‌شمار می‌رود. مفهوم قاعده اتلاف این است که هرگاه شخصی به دیگری ضرر وارد کند، باید زیان وارده را جبران کند. فرق نمی‌کند، ضرر به صورت عمدی باشد یا غیرعمدی. تفاوت نمی‌کند که ضرر همراه با قصد، اراده و آگاهی باشد یا بدون آن. در

هر صورت مبتنی بر قاعده اتلاف، فاعل ضرر، مسئولیت دارد. (طاهری، پیشین: ۲۴۴) به بیان دیگر، تقصیر، شرط اتلاف نیست. اتلاف به هرنحوی که تحقق پیدا کند، موجب ضمان است. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۰) در اتلاف صرفاً وجود رابطه علیت بین فعل و فاعل آن کفایت می‌کند و نیاز به احراز تقصیر نیست. (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۸۴)

خاستگاه اصلی قاعده اتلاف، امور مدنی و حقوقی است و جبران خسارت در مسئولیت مدنی کاربرد بیش‌تری دارد؛ اما فقیهان و اندیشمندان مسلمان، قلمرو قاعده اتلاف را به امور کیفری نیز تسری داده است. علامه حلی جنایت خطایی را یک نوع اتلاف دانسته و بیان داشته‌است که هرگاه شخصی در حال خواب با غلطیدن یا حرکت خود، موجب مرگ شخص دیگر گردد، باید دیه متوفی را از مال خود پرداخت نماید.

برخی گفته‌اند: دیه بر ذمه عاقله است؛ اما تعلق دیه در مال خود شخص به صواب نزدیک‌تر است. (حلی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۲۴۹) آنچه که از نظریه علامه حلی استنباط می‌گردد، این است که اتلاف جان انسانی، مسئولیت کیفری را در پی‌دارد با این استدلال که شخص نایم هیچ علم و اراده‌ای برای مرگ شخص دیگر نداشته نمی‌توان وی را از مسئولیت کیفری مبرا کرد. نهایت امر این‌که مسئولیت وی تقلیل پیدا کرده و در حد پرداخت دیه خواهد بود. از این‌رو، شرط مسئولیت کیفری نایم احراز تقصیر یا بی‌احتیاطی نیست و مسئولیت کیفری در این‌گونه موارد مطلق بوده و مبتنی بر تقصیر نیست.

در نگرش علامه حلی، دیه در مال نائم تلف‌کننده است و نظریه مشهور فقیهان امامیه که دیه را در مال عاقله قرار داده‌است موجه نیست. در واقع، رویکرد مشهور فقیهان امامیه در قتل خطایی این است که با توجه به عدم قصد، اراده و خطایی جزایی، موجه نیست که دیه در مال تالف باشد؛ زیرا وی هیچ تقصیر و نقشی در این قتل نداشته است و از سوی دیگر، خون انسان نباید به هدر برود و جمع بین این دو در این است که دیه بر ذمه‌ی عاقله گذاشته شود که هم خون انسان محقون‌الدم هدر نرود و هم بار اضافی بر دوش نایم قرار نگیرد. دلیل تعلق گرفتن دیه در مال نایم آن است که همه اصحاب و فقیهان بحث قتل در خواب را در مبحث ضمان نفوس مطرح کرده‌اند و این

رویکرد، مبین این امر است، که مسؤولیت کیفری از باب ضمان است و این که نایم از ره گذر قاعده ضمان نفوس، مسؤولیت دارد. در فرض که مسؤولیت نایم براساس قاعده ضمان نباشد به کدام دلیل فقیهان بحث قتل در خواب را زیر مجموعه ضمان نفوس قرار داده است. (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۳، ۵۱) برخی از فقیهان؛ مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، طبرسی، طاووس حسینی و... نیز معتقدند: دیه جنایت در حالت خواب بر ذمه خود قاتل است. (همان) رهیافت سخن این می شود که دیدگاه علامه حلی طرف داران زیادی دارد و برخی از چهره های مهم حوزه فقه و اصول از نظریه حلی پیروی کرده اند. این امر، استحکام و حقانیت نظریه ی مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، را نشان می دهد. از این رو، دیدگاه مسؤولیت مطلق با اهداف مجازات و عدالت کیفری سازگاری بیش تری دارد و رویکرد حقوق کیفری اسلام به پدیده مسؤولیت کیفری بدون تقصیر، را می توان از دیدگاه فقیهان مذکور استنباط کرد.

قلمرو قاعده اتلاف در نگرش فقیهان، گسترده است و این قاعده به حوزه مدنی و حقوقی اختصاص ندارد. صاحب جواهر یکی از فقیهان به نام، قاعده اتلاف را به امور کیفری توسعه داده و بیان داشته است که پرداخت دیه مختص به مباشر قتل شبه عمد نیست و مباشر قتل خطایی نیز ملزم است که دیه را از مال خود پرداخت نماید. (نجفی، پیشین: ج ۳، ۴۳، ۴۴) از فقیهان معاصر آیت الله فاضل لنکرانی، مبنا ی مسؤولیت کیفری قتل در خواب را، قاعده اتلاف دانسته است وی معتقد است: تنها دلیل برای پرداخت دیه در جرایم غیر عمدی از جمله جنایت در خواب، قاعده اتلاف است. براساس این قاعده، قصد، اراده و شرایط عمومی اهلیت؛ از قبیل بلوغ، عقل، شرط مسؤولیت کیفری نیست. گستره ای این قاعده شامل نفس نیز می گردد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ۸۲) برخی از محققان اتلاف بدون واسطه را، موجب ضمان دانسته است و بیان داشته اند: تقصیر، علم و اراده در جرایم مباشرتی، شرط نیست و مسؤولیت در این گونه موارد مطلق است. (قیاسی، ۱۳۹۰: ۱۸۹) براساس این نگرش، هرگاه اتلاف به صورت مستقیم و بدون واسطه باشد، مسؤولیت کیفری تحقق پیدا می کند و تقصیر و عدم آن، نقشی ندارد. در فرض که اتلاف با واسطه و سبب تحقق پیدا کند، مسؤولیت کیفری مبتنی بر تقصیر خواهد بود.

نتیجه دیدگاه فوق این می‌شود که مباشرت و عدم مباشرت در تحقق مسؤولیت کیفری تاثیر دارد. با توجه به اهمیت این موضوع لازم است که مسؤولیت مباشر و سبب به صورت گذرا به بحث و کنکاش گرفته شود و از این ره‌گذر قلمرو مسؤولیت کیفری بدون تقصیر مشخص گردد.

### ۱.۴.۳. انواع اتلاف

اتلاف به دویبخش قابل تقسیم است؛ اتلاف بالمباشرت و اتلاف بالتسبیب. اینک هر کدام در مبحث جداگانه بررسی می‌شود.

#### ۱.۱.۴.۳. اتلاف بالمباشره

اتلاف مباشرتی یا بدون واسطه آن است که شخصی بدون واسطه، رکن مادی جرم را مرتکب گردد. مانند آن‌که به قصد شکار، تیری را رها کند و برحسب اتفاق به شخص محقون‌الدم اصابت کند و باعث مرگ وی شود. در این فرض قتل خطایی به صورت مستقیم صورت گرفته است یا شخصی در حال خواب و بدون قصد و اراده بر روی شخص دیگر بغلتد و سبب مرگ وی گردد. در این فرض نیز، اتلاف بدون واسطه است. (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۴۳، ۵۱) در اتلاف مستقیم هیچ‌گونه واسطه و سببی در میان نیست و رفتار مجرمانه به صورت مباشرتی صورت گرفته است. همان‌گونه که بیان شد در این‌گونه موارد مباشر مسؤولیت کیفری دارد تقصیر و خطای جزایی در تحقق مسؤولیت کیفری هیچ دخالتی ندارد.

#### ۲.۱.۴.۳. اتلاف بالتسبیب

این نوع اتلاف، همان‌گون که مبرهن است، با واسطه تحقق پیدا می‌کند. وجود سبب و واسطه، فعل مجرمانه را محقق می‌کند. مانند آن‌که شخصی چاهی را در مسیر عبور و مرور حفر کند، سپس انسانی درچاه بیافتد و هلاک شود. (قیاسی، پیشین: ۱۸۹) دراین فرض حفر کننده چاه به صورت مستقیم فعل مادی جرم را انجام نداده است، بلکه سبب قتل را فراهم کرده است. همان‌گونه که در مبحث پیشین توضیح داده شد در نگرش برخی از فقیهان در اتلاف به سبب مسؤولیت کیفری منوط به احراز تقصیر است و بدون محرز شدن تقصیر و خطای جزایی، مسؤولیت کیفری خالی از ایراد نخواهد بود.



بدون تردید، در اتلاف مباشرتی، تقصیر، اراده و سوءنیت، تاثیری در مسؤلیت کیفری ندارد و اتلاف به صورت مطلق موجب ضمان است؛ اما در مورد اتلاف با واسطه، در میان فقیهان مسلمان تفاوت دیدگاه وجود دارد. برخی از اندیشمندان مسلمان اتلاف با واسطه را نیز موجب ضمان می‌دانند و معتقدند: در اتلاف، تفاوت بین مباشر و سبب وجود ندارد. صاحب جواهر، مسؤلیت سبب را مطلق دانسته و بیان داشته است که مسبب اتلاف؛ اعم از آن‌که به صورت مباشرت باشد یا تسبیب، مسؤلیت کیفری دارد.

از این‌رو، هرگاه شخصی کشتی را تعمیر نماید و در هنگام تعمیر، با کوبیدن میخ بر کشتی یا جدا کردن تکه چوبی از آن، سبب غرق شدن کشتی شود و در نتیجه، اموال یا انسانی تلف شود، تعمیرکار، مسؤل است و نیاز به اثبات تقصیر وی نیست. (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۳، ۱۱۳)

مویید این نظریه حدیثی از امام علی<sup>(ع)</sup> است که اتلاف را به صورت مطلق موجب مسؤلیت کیفری دانسته است. در زمان خلیفه دوم، مامورانی به دستور وی برای دست‌گیری زنی فرستاده شد و زن متهم به نزد خلیفه، احضار گردید؛ اما وی بر اثر ترس و اضطراب، سقط جنین کرد. امام علی<sup>(ع)</sup> در این مورد عاقله خلیفه دوم را ضامن دیه، معرفی کردند. پرواضح است که مسؤلیت سبب در قضاوت امام علی<sup>(ع)</sup> مطلق بوده و احراز تقصیر شرط نگردیده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰، ۲۵۱)

جمع دیگری از فقیهان شرط تقصیر را در مسؤلیت کیفری سبب، لحاظ کرده‌اند و در قضیه بر خورد دوکشتی به یکدیگر و ورود خسارت، آمده است: هرگاه ناخدای هر دوکشتی بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی کرده باشند، هر دو ناخدا به صورت یکسان مسؤل هستند. در فرض که یکی از آنان مقررات را رعایت نکرده باشد، وی به تنهایی مسؤلیت دارد. (محقق حلی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۲۵۵) به نظر می‌رسد، که اغلب فقیهان امامیه در مبحث مسؤلیت سبب، عنصر تقصیر یا تعدی را، شرط مسؤلیت کیفری دانسته‌اند. در مثال حفرچاه، گفته‌اند: هرگاه حفرچاه در ملک خود شخص یا محل مباح باشد و عابری در آن بیفتد و بمیرد، ضمانی بر حفر کننده چاه نیست. (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۰) با این

رویگرد، سبب به صورت مطلق مسؤولیت ندارد و مسؤولیت سبب تنها در فرض احراز تقصیر یا تفریط، قابل تحقق است.

### ۵.۳. قاعده لاضرر

این قاعده، یکی اصول مهم در حقوق کیفری اسلام است. هرگاه این قاعده به عنوان یک قاعده مستقل از قاعده اتلاف در نظر گرفته شود، بدون تردید یکی از مبانی مهم مسؤولیت کیفری بدون تقصیر به حساب می‌رود. مفهوم قاعده لاضرر این است که در آموزه‌های اسلام، ضرر رسانیدن به دیگری، معصیت و گناه است. هرگاه از ناحیه شخصی به دیگری، ضرر وارد گردد، ضرر رسان مکلف به جبران خسارت است. ملاک ضمان، تنها فعل مادی جرم است. تقصیر یا عدم آن، تاثیری در مسؤولیت کیفری ندارد. در نتیجه اگر شخصی به دیگری ضرر مالی یا جانی وارد نماید؛ اعم از آن‌که با قصد و سوءنیت همراه باشد یا بدون آن، مسؤولیت کیفری دارد.

به نظر می‌رسد، قاعده لاضرر، به نحوی ارتباط ناگسستنی با قاعده اتلاف دارد و از نظر قلمرو و مسؤولیت کیفری هم‌پوشانی دارد. از این رو، ضرورت به تبیین بیشتر قاعده لاضرر نیست. ذکر این نکته ضروری است که قاعده ضرر یکی از مبانی مسؤولیت کیفری بدون تقصیر است و این قاعده می‌تواند مسؤولیت کیفری مطلق را توجیه نماید.

### ۶.۳. قاعده حرمت خون مسلمان

انسان از منظر آموزه‌های اسلامی دارای حرمت و کرامت ذاتی است و این احترام به حدی است که از نظر گزاره‌های دینی کشتن یک انسان بی‌گناه مانند کشتن تمام انسان است و نجات جان یک انسان به منزله نجات همه بشر است. (مائده/ ۳۲) هم‌چنین قرآن می‌فرماید: هرکسی مومنی را عمداً به قتل برساند جزایش آتش جهنم است و قاتل همیشه در آتش سوزان جهنم باقی خواهد ماند. (نساء/ ۹۳) حضرت پیامبر گرامی اسلام در مورد حرمت خون انسان مومن فرموده‌است: هرگاه اهل زمین و آسمان در قتل عمدی مومن شریک شوند، خداوند همگان را در آتش جهنم مجازات می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۷: ۷، ۲۷۳) براساس قاعده حرمت خون انسان، خون هیچ مسلمانی هدر نیست. هرگاه قتل از نوع عمد باشد حکم اصلی آن قصاص است و اگر غیرعمدی باشد، موجب دیه

است. اگر قاتل معلوم نباشد، دیه آن بر بیت‌المال است. قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم»، یک قاعده مسلم فقهی است که دلالت بر پایمال نشدن خون مسلمان می‌کند. (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۳، ۴۱۰) شیخ مفید گفته است: هرگاه شخصی در شلوغی نماز جمعه، پل‌ها، سر مرزو... کشته شود دیه وی بر بیت‌المال مسلم است. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۱) یکی از فقیهان معاصر بیان داشته‌است: هرگاه کسی در شلوغی بازار، اطراف حجرالاسود و... بمیرد، دیه‌اش بر بیت‌المال است. (محقق حلی، ۱۴۱۲: ۳، ۳۹) یکی از فقیهان معاصر می‌گوید: هرگاه موتور سواری مواد آتش‌زا را در کوچه بریزد و بر اثر آن، شخصی کشته شود دیه وی از بیت‌المال خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳، ۴۸۷) در ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آمده‌است: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد».

آنچه از بیان فقیهان و قانون مجازات اسلامی بر می‌آید این است که خون مسلمان حرمت دارد و نباید بدون حکم قانون و مقررات کیفری اسلام خون کسی ریخته شود. به بیان دیگر، هرگاه خون مسلمان محقون‌الدم ریخته شود، متناسب به نوع جنایت؛ از قبیل جنایت عمد، شبه عمد یا خطای محض، کیفر مناسب در انتظار جانی خواهد بود و در صورتی که قاتل معلوم نباشد، حکومت اسلامی به‌عنوان مسئول تامین امنیت جان و مال مردم، ملزم به پرداخت دیه است. مبرهن است که مسؤلیت حکومت اسلامی در پرتو قاعده حرمت خون انسان قابل تحلیل و تفسیر است. در این خصوص شرط مسؤلیت حکومت اسلامی احراز تقصیر یا اهمال نیست. رهیافت سخن این که قاعده حرمت خون انسان یکی از مبانی مهم مسؤلیت کیفری بدون تقصیر در حقوق کیفری اسلام است و این قاعده با مبانی تضمین حق در حقوق موضوعه هم‌خوانی زیادی دارد.

### ۷.۳. قاعده کل من له الغنم فعليه الغرم

این قاعده، هرچند درباره زیان و خسارت‌های مالی است؛ اما بدون تردید، جنایات خطایی نیز در گستره‌ی آن شامل خواهد شد. در روایات متعددی آمده‌است: امام<sup>(ع)</sup> ورثه اشخاص بی‌وارث است و همان‌گونه که اموال و دارایی اشخاص بی‌وارث به امام<sup>(ع)</sup> تعلق می‌گیرد، پرداخت دیه چنین اشخاصی نیز بر عهده امام<sup>(ع)</sup> خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۷:

۷، ۱۶۹) در روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: امام وارث مقتولی بدون وارث است و صلاحیت دارد که قاتل را قصاص کند یا قصاص را تبدیل به دیه نماید و هم‌چنین در برابر دیه مقتول مسئولیت دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۹، ۱۲۵) رهیافت تحقیق این است که قاعده اتلاف، قاعده لایبطل دم امرء مسلم و نظریه تضمین حق، در میان مبانی مسئولیت کیفری بدون تقصیر، جایگاه ویژه‌ی دارد؛ زیرا قاعده اتلاف به صراحت بیان می‌دارد که ملاک مسئولیت کیفری در جنایات خطایی، تحقق رکن مادی جرم است. تقصیر و عدم تقصیر هیچ نقشی در مسئولیت کیفری ندارد.

از این‌رو، جنایت در حالت خواب و بیهوشی مسئولیت کیفری را در پی‌دارد و احراز تقصیر یا خطای جزایی شرط مسئولیت کیفری نیست. مبنای حرمت خون مسلمان و مبنای تضمین حق نیز مسئولیت کیفری بدون تقصیر را به صورت شفاف توجیه می‌کند و به آن وجه قانونی و شرعی می‌بخشد. ذکر این نکته ضروری است که قید مسلمان در این‌جا خصوصیتی ندارد؛ زیرا در کشورهای اسلامی (دارالاسلام) حاکم مسلمان در برابر جان و مال تمام شهروندان؛ اعم از مسلمان و غیرمسلمان مسئولیت یکسان دارد.

به دیگر سخن، در قلمرو حکومت اسلامی، عموم شهروندان از امنیت جان و مال بر خوردار بوده، باورها، اعتقادات دینی و گرایش‌های مذهبی در این خصوص هیچ تأثیری ندارد. سرانجام این‌که نظریه‌ی تضمین حق از جهات متعددی با قاعده‌ی حرمت خون مسلمان هم‌پوشانی دارد و مسئولیت کیفری بدون تقصیر، را با صراحت تمام توجیه می‌کند.

### نتیجه‌گیری

اصول حاکم بر حقوق کیفری، قلمرو جرم‌انگاری را محدود کرده است. رویکرد برخی نظام‌های حقوقی؛ از جمله لیبرالیسم بر این اصل استوار است که حقوق و آزادی‌های فردی را نمی‌توان محدود کرد و اصل بر آن است که حقوق و آزادی‌های اساسی از هرگونه محدودیت مصون باشد و صرفاً ضرورت می‌تواند به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری، قلمرو حقوق و آزادی‌های فردی را محدود کند. با این رویکرد جرم‌انگاری در سیاست کیفری لیبرالیسم محدود به‌حوزه ضرر خواهد بود و مسلم است که اصول و

ضوابط خاصی بر حقوق کیفری و فرآیند جرم‌انگاری حاکم خواهد بود. یکی از اصول مسلم حقوق کیفری آن است که کیفر بدون تقصیر، توجیه منطقی و قانونی نخواهد داشت و شرط مسؤولیت کیفری احراز قصد و اراده برای ارتکاب رفتار مجرمانه است این اصل قابل خدشه نیست؛ اما گاهی صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی، جرم انگاری نوینی را می‌طلبد. مسؤولیت کیفری بدون تقصیر گاهی به‌عنوان ضرورت صبغه قانونی پیدا می‌کند. در واقع قانون‌گذار با عنایت ویژه به حوزه سلامت و بهداشت، در موارد خاصی، مسؤولیت کیفری را به‌صورت مطلق پذیرفته‌است.

مبنای ضرر و مبنای تضمین حق مسؤولیت کیفری بدون تقصیر را با هدف صیانت از سلامت و بهداشت افراد جامعه، توجیه می‌کند و مبتنی بر مبنای فوق، مسؤولیت مطلق در برخی موارد، خالی از ایراد و اشکال خواهد بود. ضرورت توجه به تحولات عمیق در حوزه علم، صنعت و تکنولوژی مویید دیگری بر مسؤولیت کیفری بدون تقصیر خواهد بود؛ زیرا در پرتو ماشینی شدن تولیدات مواد غذایی و بهداشتی، فرض تقصیر در مواردی اجتناب ناپذیر است و قانون‌گذار از ره‌گذر کیفرگذاری مبتنی بر مسؤولیت مطلق، از ورود ضرر به جان و مال مردم باید جلوگیری نماید.

حقوق کیفری اسلام از ابتدای ظهور این دین، مسؤولیت کیفری بدون تقصیر را در جنایات خطایی، پذیرفته‌است. قاعده اتلاف مهم‌ترین مبنای مسؤولیت کیفری بدون تقصیر است. این قاعده افزون برآنکه قاعده شرعی و فقهی است، قاعده عقلی و خرد پسند نیز به شمار می‌رود. مبتنی بر این قاعده، تلف‌کننده جان و مال، به صورت مطلق مسؤولیت کیفری دارد تقصیر و عدم تقصیر در این‌گونه مسؤولیت، دخالتی ندارد و قلمرو این قاعده گسترده بوده و شامل تمام جنایات خطایی می‌گردد. رهیافت پژوهش این می‌شود که مبنای اتلاف، مبنای تضمین حق در کنار سایر مبنای پیش‌گفته شده، این توانایی را دارد که مسؤولیت کیفری بدون تقصیر را توجیه نماید و به آن وجه قانونی و شرعی ببخشد.

## فهرست منابع

۱. آقایی‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب‌الحدیث والاثر، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
۳. انصاری، مسعود و طاهری، محمد، دانش‌نامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۴. باریکلو، علی‌رضا، مسؤولیت مدنی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. بادینی، حسن، فلسفه مسؤولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۴۶.
۷. حسنی، محمود نجیب، نظریه‌العامه للقصد الجنایی، بیروت، دارالاشراف، چاپ اول، ۱۹۶۷م.
۸. حداد عادل، غلام‌علی، دانش‌نامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره‌المعارف، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹ق.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. ساریخانی، عادل و قیاسی، جلال‌الدین، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۲. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
۱۳. شاه‌چراغ، سیدحمید، «بررسی تطبیقی مسؤولیت کیفری مطلق در حقوق ایران در نگرشی به نظام حقوقی کامن‌لا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، ۱۳۹۱.
۱۴. طاهری‌نسب، ایزدالله، رابطه‌ی علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصره‌المتعلمین فی‌احکام، تهران، موسسه چاپ و نشر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ یازدهم، ۱۳۷۵.
۱۷. فاضل لنگرانی، محمد، تشریح‌الاصول، کتاب‌الدیات، قم، انتشارات اعتماد، ۱۳۹۰.
۱۸. قاسم‌زاده، مرتضی، مبانی مسؤولیت مدنی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۹. قیاسی، جلال‌الدین، تسبیب در قوانین کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری مسؤلیت مدنی، تهران، دهخدا، ۱۳۶۲.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارلطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۲. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۲ق.
۲۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ق.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسن، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، ۱۳۸۵.
۲۹. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزا، مسؤلیت کیفری، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۳۰. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۳۱. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.